

### عشق در عهدجدید<sup>۱</sup>

ملیحه شیرخدائی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ابوالفضل محمودی<sup>۳</sup>

دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

طاهره حاج ابراهیمی<sup>۴</sup>

دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

در سنت مسیحی و به‌ویژه عهدجدید عیسی مسیح واسطه‌رهایی و نجات و الگوی عشق‌ورزی انسان معرفی شده است. عیسی با عشق و محبتش به انسان‌ها، قربانی شدن را پذیرفت و چون بره‌ای در فصیح قربانی شد تا نوع انسان حیات یابد. اتحاد با مسیح تنها راه وصول به عشق اتم و اکمل در مسیحیت است. انسانی که به‌دنبال رهایی است باید مسیح گونه شود و هم‌چون او طی طریق نماید، تا با مسیح متحد شود و نجات یابد. برای اتحاد با خداوند باید به قوانین طلایی عشق که در اناجیل بر زبان مسیح جاری شد عمل نماید. یعنی عشق به خدا، عشق به همسایه و هم نوع و حتی نثار جان برای دشمن محبت نماید. بدین ترتیب انسان ارتقا می‌یابد و گناهانش در اثر محبت می‌سوزد. و فرزند مسیح می‌گردد. عیسی در او متولد می‌شود. در این هنگام این پسر انسان است که با او و در او عمل می‌کند. مسیح با چشم او می‌بیند، با گوش او می‌شنود و با دستان وی عمل می‌نماید. در این جستار سعی بر آن است تا در حد ادراک به تبیین عشق در عهدجدید پرداخته شود.

### کلیدواژه‌ها

محبت، عیسی مسیح، عشق، خداوند، عهدجدید.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۸

۲. پست الکترونیک: k.shiri99@gmail.com

۳. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): amahmoodi5364@gmail.com

۴. پست الکترونیک: hajebrahimi@srbiau.ac.ir

### بررسی واژگانی

مفهوم عشق در کتاب مقدس و به‌ویژه عهدجدید بیانگر مفهومی عبری و یونانی است. در یونان باستان این واژه برای عشق متواضعانه به کار رفته است. در علم واژه‌شناسی آگاه به معنای عشق خدا یا عمل عاشقانه خدا در انسان‌ها می‌باشد. به‌طور کلی در زبان یونانی از سه نوع عشق صحبت شده است که عبارتند از اروس<sup>۱</sup>، فیلیا<sup>۲</sup> و آگاه<sup>۳</sup> که به لحاظ معنایی اشاره به محبت و دوستی دارند. و به‌طور تقریبی می‌توان گفت در یک حوزه معنایی جای دارند. اروس ریشه عمیقی در شهوات و امیال جنسی دارد. آرمانی، خطرناک، فرار و فاقد ماندگاری است. این نوع عشق با زیبایی سروکار دارد برخلاف دو نوع دیگر. اروس عشقی است که تنها زمانی پدیدار می‌شود که آدمی در جایی زیبایی را مشاهده کند. بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز این نوع عشق افلاطون است که در دو کتاب ضیافت و فایدروس از آن صحبت کرده است. در عشق اروتیک ما با یک سیر از زیبایی انسان به سوی زیبایی حقیقی می‌رویم. و هر آنچه زیباست دعوتی از عالم بالا می‌باشد. زیباییان همه دعوت‌نامه‌هایی از عالم اعلی هستند تا ما را از خاک به افلاک فرا بخوانند. از این جهت است که گفته می‌شود عشق مجازی پلی به عشق حقیقی است.<sup>۴</sup> فیلیا نوع دوم عشق به معنای عشق بی قید و شرط است. فراتر از ملیت، مذهب، نژاد، جنسیت، ذهن و ... می‌باشد. در این نوع عشق به هیچ روی از زیبایی، میل و اشتیاق و یا دیدار زیبای حقیقی سخنی به میان نیامده است. عشق فیلیایی یعنی خواستن چیزهای خوب برای دیگری. بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز این نوع عشق ارسطو می‌باشد.<sup>۵</sup> سومین نوع دوستی، عشق آگاه‌های می‌باشد که متفاوت با دو شکل عشق یعنی اروس و فیلیا است. در این نوع عشق هم‌چون عشق فیلیایی اراده بر دادن چیزی به

1. Eros

2. Philia

3. Agape

4. Hopkins, Steven P., "Eros", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), pp.187-190; Grady, James Allen, "Platonic Love", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.2, pp.464-465; Fromm, Erich, *The Art of Loving*, U.S.A., Harper & Row, 1956, pp.7- 12.

5. Vincelette, Alan, "Unconditional Love", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), pp.647-649; Berchman, Robert M., "Friendship", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), pp.242-245; See: McCarthy, Michael, "Church Father", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1, pp.115-117.

دیگری است اما با تفاوت‌های بسیار. این نوع دادن، دادنی بی پاسخ، بدون چشم‌داشت و عوض است. بدین ترتیب در این نوع دادن، در افزایش نه امید گرفتن است و نه انتظار گرفتن و نه پیش‌بینی گرفتن. آگاپه عشق و محبتی جامع و کامل است و همه انسان‌ها، حتی دشمنان و بیگانگان را نیز دربرمی‌گیرد.

در انجیل یوحنا به‌طور کامل بین انواع عشق تمایز وجود دارد. به نظر می‌رسد که تنها هدف استفاده از این کلمات به کار بردن لغات متفاوت است. اما نویسندگان عهدجدید از واژه آگاپه استفاده کرده‌اند که این خود بیانگر درک آن‌ها از پیام عیسی مسیح و کلیسای نخستین است. با بررسی کاربردهای معمول واژه عشق در عهدجدید<sup>۱</sup> در می‌یابیم که واژه آگاپه در مورد عشق خدا به انسان‌ها به کار رفته است. و عشق خدا و پسرش، عشقی متقابل و دوسویه می‌باشد. عشقی لطیف، بدون مرز و عاری از هر قید و شرطی است. اولیاء الهی نیز از همین عشق نسبت به سایر انسان‌ها برخوردارند. واژه آگاپه به‌طور کلی دربردارنده مفهوم عملکرد در زمین و هم‌چنین بیانگر رابطه بین انسان و خدا است. ضمن این‌که ذات واقعی خداوند را هم بیان می‌کند و درحقیقت دربردارنده مرتبه معنایی دیگری از عشق مطلق و توأم با ایثار خداوند را تبیین می‌نماید که تجلی آن فرستادن پسر یگانه‌اش مسیح است تا فدیة و کفاره گناه انسان شود. عیسی مسیح این چنین خود را فدای گناهان بشر کرد تا عشق ابدی الهی را به همگان بیاموزد.<sup>۲</sup> این واژه در عهدجدید به صورت عشق پدرانه خداوند به انسان به کار رفته است. ضمن این‌که مفهوم عشق اکتسابی بشر نسبت به خدا را هم در نهاد خود دارد. آباء کلیسا آگاپه را جشنواره عشق می‌دانند که هم یک آیین عبادی و مذهبی است که در آن نان و شراب خورده می‌شود و هم یک مهمانی انسان دوستانه است که فقرا را به خوردن غذا دعوت می‌نماید.<sup>۳</sup>

۱. عشق به انجام کار، عشق به اقوام، عشق به هموعان و دوستان، عشق به زیبایی‌ها.

2. Grady, James Allen, "Beloved Community", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1, pp.73-76; Long, J. Bruce, "Love", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, vol.9, 1987, p.37; Hopkins, Steven P., "Eros", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1 (A-I), pp.187-190; Sheveland, John N., "Love in Christianity", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1 (A-I), pp.161,162.

3. Chairman, Roben, "Agape", *The New Encyclopedia Britannica*, Founded, 1793, vol.1, p.139; Fromm, Erich, *The Art of Being*, U.S.A., Harper and Row, 1956, pp.72- 82.

### عشق در عهدجدید

در سنت مسیحی و به‌ویژه عهدجدید، عیسی مسیح، واسطه‌رهایی و نجات انسان معرفی شده است. یکی شدن با مسیح تنها راه وصول به عشق غایی در مسیحیت است. سالک باید در تمام اعمال و رفتارهایش مسیح‌گونه عمل نماید و تنها او را واسطه قرار دهد و حیات خود را هم‌چون مسیح بسازد. و در زندگی و احوال عیسی به‌طور ژرف تأمل کند تا هم‌چون او سخن بگوید، ببیند، بشنود و از هر آنچه خوشایند و مورد پسند او نیست دوری گیرند. چنانچه در انجیل یوحنا آمده است که پدر پسر را محبت می‌نماید و همه چیز را به‌دست او سپرده است. آن‌که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آن‌که ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند.<sup>۱</sup> محو شدن در عیسی مسیح، گشاینده و راهنمای وصول به عشق حقیقی است. او هیچ چیز را برای خود نخواست و به اراده خداوند راضی بود.<sup>۲</sup> بنابر آیات عهدجدید، فرامین عشق در سه حکم خلاصه می‌شود. حکم اول و اعظم که غایت تمام احکام است، محبت و عشق به خداوند می‌باشد. دومین حکم، محبت و دوستی با همسایه و هم‌نوع است و سومین حکم که تحقق دو حکم پیشین در گرو آن می‌باشد محبت و حیات در عیسی مسیح است. در سنت مسیحی این احکام به قانون طلایی شهرت دارند.<sup>۳</sup>

### حکم اعظم، محبت به خداوند

در سنت مسیحی بنابر عهدجدید محبت به خداوند حکم اول، اعظم و غایت تمام احکام<sup>۴</sup> می‌باشد. و انسان با تبعیت و اقتدا به عیسی مسیح می‌تواند بدان نائل گردد. در انجیل متی و مرقس از قول مسیح آمده است که خداوند را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود

۱. ۳: ۳۵، ۳۶.

2. John of the Cross, *Ascend of Mount Carmel*, London, 1934, p.70; Happold, F.C., *Mysticism, A Study and an Anthology*, London, 1973, p.359.

3. Martin, Ralph P. and Peter H. Davids(ed.), *Dictionary of The Later New Testament & Its Developments*, U.S. A., Inter Varsity Press, 1997, pp.694-700; Chrystides, George D. & Margaret Z. Wilkins(ed.), *A Reader in New Religious Movements*, London, Continuum, 2006, p.179.

۴. ۱. ۴ قرتیان ۱۳: ۱-۴؛ ۱ تیموتائوس ۵.

محبت نمایند و همسایه خود را هم چون خود محبت کنید، تا به حیات جاودان برسید.<sup>۱</sup> گناهان بسیاری در اثر محبت از وجود انسان زدوده می شود و انسان به واسطه محبت آمرزیده می گردد.<sup>۲</sup> با مطالعه عهدجدید به ویژه اناجیل، درمی یابیم محبت خداوند یعنی عمل به فرامین و احکامی که خداوند قدوس به آنها امر کرده است.<sup>۳</sup> عمل به شریعت سبب حیات جاوید می شود و انسان به واسطه اطاعت و انجام احکام خداوند به کلام الهی زنده می گردد. عمل به احکام و پابندی به تعالیم عیسی مسیح، موجب تحقق معرفت حقیقی و سکونت خداوند در انسان می گردد. آنکه احکام را به جا نمی آورد هیچ معرفتی ندارد و دروغگو است. محبت باعث گذر انسان از موت و تحقق حیات جاوید و سراسر نور می گردد. هر انسانی که محبت می کند از خداوند مولود می شود و بدان معرفت می یابد. خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن می باشد و خداوند در وی سکونت دارد.<sup>۴</sup> دل بستگی و حب به دنیا سبب دوری از مسیح می شود و دنیا دوست هرگز بهره ای از محبت پدر نخواهد داشت.<sup>۵</sup> از آنچه ذکر شد درمی یابیم که محبت لب و لباب سنت مسیحی است و باید آن را نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی انجام دهیم.<sup>۶</sup> اگر محبت باشد احترام و اکرام به همدیگر نیز از صمیم قلب انجام می گیرد. کسی که در مسیر طی طریق و سلوک به سوی خداوند، نسبت به همراهانش توجه ننماید و تنها به خویش بیندیشد عاشق حقیقی نیست و تنها خواهد ماند. در جای جای عهدجدید به آیات متعددی برمی خوریم که رستگاری، حیات جاوید و سکونت در نور مطلق را در گروهی محبت پدر و تحقق آن تبیین نموده است.<sup>۷</sup> محبت پدر در گروه محبت پسر و محبت پسر در سایه محبت

۱. متی ۲۲: ۳۶، ۳۷؛ مرقس ۱۲: ۳۱، ۳۰؛ لوقا ۱۰: ۲۷؛ غلاطیان ۵: ۱۴؛ و نک. یعقوب ۲: ۸؛ لایوان ۱۹: ۱۸.

۲. لوقا ۷: ۴۷؛ ۱، پطرس ۴: ۸.

۳. ۱ یوحنا ۵: ۳؛ ۲ یوحنا ۵، ۶؛ غلاطیان ۵: ۱۴.

۴. همان، ۴-۷، ۹-۱۵-۱۷.

۵. همان، ۲-۳، ۵؛ ۲: ۱۱، ۱۵-۱۷؛ ۳: ۱۰؛ و نیز:

Davidson, F., *The New Bible Commentary*, Michigan, WM. B. Eerdmans Publishing Company, 1953, vol.2, pp.798, 831, 851.

۶. ۱ یوحنا ۳: ۱۱-۱۸.

۷. ۱ یوحنا ۶: ۲ یوحنا ۵؛ ۶؛ یهوذا ۲۱؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۲، ۲۳.

به هم نوع محقق می‌گردد. مسیح کمال فرمان است.<sup>۱</sup> و هر کس یکی از این سه را نادیده بگیرد دروغگو است و هیچ بهره‌ای از محبت حقیقی نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

### حکم دوم، محبت به هم نوع

عشق به هم نوع یعنی عشق به هر انسان چنان‌که هست یعنی مطابق با شخصیت خاص او رفتار نمودن.<sup>۳</sup> درباره مصداق بارز عشق کامل یعنی عشق ورزیدن به هم نوع از طریق پیروی از عیسی، اعتقاد بر این است که دست خدا با جمع است.<sup>۴</sup> در رومیان می‌خوانیم، کسی که دیگری را محبت نماید شریعت را به‌جا آورده است... همسایه‌ات را چون خود محبت نما. محبت تکمیل شریعت است.<sup>۵</sup> پولس نیز در نامه به رومیان تأکید می‌کند که هرگز آدمی نباید مدیون احدی به چیزی شود مگر به محبت نمودن نسبت به یکدیگر، زیرا کسی که محبت می‌نماید درحقیقت شریعت را به‌جا آورده است. چرا که زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع نوز و هر حکمی دیگر از شریعت، همه بیانگر محبت به همسایه و هم نوع می‌باشد. بنابراین محبت، تکمیل شریعت است. بدین ترتیب کسی که عشق ندارد هرگز بهره‌ای از حیات نخواهد یافت.<sup>۶</sup> بنابر تعالیم عیسی مسیح، محبت باید خالصانه، از ژرفای وجود، در همه کارها و نسبت به همه انسان‌ها حتی دشمنان و غیر هم کیشان باشد.<sup>۷</sup> در اناجیل آمده است که محبت تنها با دوستان نیست چراکه اگر چنین باشد هیچ تفاوتی با باجگیران نخواهیم داشت. بلکه باید با دشمنان و آنانی که از انسان نفرت دارند، احسان و محبت نمود.<sup>۸</sup> در انجیل لوقا از قول مسیح آمده است دشمنان

۱. رومیان ۴: ۱۰.

۲. ۱ یوحنا ۵: ۱-۴؛ و نیز:

Martin, Ralph P. & Peter H., Davids(ed.), *Dictionary of The Later New Testament & Its Development*, 1997, pp.694, 695.

3. Kierkegaard, Soren, *Works of Love*, New York, 1962, p.259.

4. John of the Cross, *Living Flame of Love*, London, 1934, p.5.

۵. باب ۱۲ و ۱۳.

۶. رومیان ۱۳: ۸-۱۰.

۷. ۱ پطرس ۱: ۲۲-۲۵؛ ۲: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۱۴؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۹؛ ۱ قرنتیان ۱۶: ۱۴.

۸. متی ۵: ۴۳-۴۸؛ لوقا ۶: ۲۷-۳۶.

خود را دوست دارید و با کسانی که از شما نفرت دارند احسان کنید. هر که شما را لعن کند برایش برکت بطلبید و برای هر که با شما کینه دارد دعای خیر نمایید. و هر که بر رخسار تو زند دیگری را نیز به سوی او بگردان و کسی که ردای تو را بگیرد، قبا را نیز از او مضایقه نکن. هر که از تو سؤال کند بدو بده و هر که مال تو را گیرد از وی باز مخواه. و چنانکه می‌خواهید مردم با شما عمل کنند شما نیز به همان شیوه با ایشان سلوک نمایید. زیرا اگر محبان خود را محبت کنید هیچ ارزشی ندارد زیرا گناهکاران هم محبان خود را محبت می‌نمایند. و اگر احسان کنید با هر که به شما احسان کند سودی برایتان ندارد چون که گناهکاران نیز چنین می‌کنند. و اگر قرض دهید به آنانی که امید بازگشتن از ایشان دارید کارتان بی فایده است، زیرا گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا از ایشان عوض گیرند. بلکه دشمنان خود را محبت نمایید و احسان کنید و بدون امید عوض، قرض دهید زیرا اجر شما عظیم خواهد بود و بدین طریق پسر خدای پدر می‌شوید چونکه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. آفتاب خود را بر بدان و نیکان یکسان طالع می‌سازد و بر عادلان و ظالمان می‌باراند. پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است.<sup>۱</sup> زمانی که به برادر و هم نوع محبت شود<sup>۲</sup> اسباب سکونت در نور محض فراهم می‌شود.

برخی عرفای مسیحی چون قدیسه کاترین سینایی در پیروی از مسیح که می‌گوید حیات خود را فدای زندگی دیگری کن اذعان می‌دارد عیسی عشقی را کامل می‌داند که در پرتو آن فرد، حیات خود را نثار دیگران کند و کامل تر از آن این است که انسان حیات خود را فدای دشمنان خود کند. زیرا او بخاطر آلوده شدن به گناه، دشمن خدا شده است.<sup>۳</sup> پس ما باید زندگی خود را برای به‌دست آوردن کمال انسانی امان صرف کنیم. سخن عیسی مسیح را همواره در رفتارهایمان جامه عمل بپوشانیم. مسیح به همه انسان‌ها، بیماران، بدکاران، فاحشه‌ها و حتی دشمنانش محبت می‌کرد، و همین محبت او باعث نجات بسیاری از گمراهی شد. او به قدری نسبت به گمشدگان، محبت و مهر داشت که حاضر شد صورت انسانی به خود گیرد و برای نجات آنان مرگ و صلیب را تجربه کند. او انسان را محبت نمود و با خون خویش گناهان ایشان را محو نمود. خدا از طریق وی محبت خویش

۱. متی ۵: ۴۳-۴۸؛ لوقا ۶: ۲۷-۳۶.

۱.۲ یوحنا ۴: ۲۰، ۲۱.

را به نوع بشر ثابت کرد زیرا او در راه گناهکاران کشته شد. در حالی که خود گناه را نشناخت و همان‌گونه که خود او گفته است، آمده تا خدمت کند نه این‌که خدمت ببیند.<sup>۱</sup> وی خود را شبان نیکویی نامید که برای نجات گوسفندان جان خود را فدا کرد و به عنوان بره واقعی فصح به جای همه انسان‌ها قربانی شد تا ایشان نجات یابند. انجیل یوحنا به نقل از عیسی مسیح بیان می‌کند که محبتی بالاتر از فداکردن جان آدمی وجود ندارد، کاری که خود مسیح با تمام محبت و عشقش انجام داد. در باور مسیحیان این عمل محبت آمیز وی می‌تواند ایشان را دگرگون سازد، چون انجام‌دهنده این محبت و نیکی، فردی بی گناه و نیکوکار است که ارتباطی بی مانند و برجسته با خداوند دارد. مسیحیان، عیسی مسیح را اسوه و وسیله‌ای برای پیروی و تحول یافتن می‌دانند، و می‌توان گفت محبتی که عیسی با از خود گذشتگی‌اش به انسان‌ها نشان داد بهترین یادگار به ماست. او در آخرین شب حیات خود در حالی که پاهای شاگردان خود را شستشو داد به آن‌ها گوشزد نمود که واجب است چون او به یکدیگر محبت نمایند و بدین شیوه امید به رستگاری خویش داشته باشند.<sup>۲</sup>

در رساله یوحنا از قول عیسی مسیح درج است: «کسی که محبت ندارد از خدا نیست و خدا را نشناخته است، زیرا خداوند محبت است.»<sup>۳</sup> حتی خلقت عالم نیز برای عشق و محبت است هم چنان که صورت مسیح تجلی الهی، رمز محبت و سلام است. مسیح آنقدر محبت دارد که حتی نسبت به بیماران آینده نیز توجه می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. متی، ۵: ۴۳-۴۸؛ لوقا، ۶: ۲۷-۱۴؛ ۱-۵؛ ۱۵-۵؛ متی، ۹: ۱۸؛ ۱۵: ۲۱؛ یوحنا، ۸: ۳-۱۱، ۱۰: ۴۶؛ ۱۱: ۱؛ اول تیموتائوس، ۲: ۶؛ رومیان، ۸: ۲۶، ۳: ۲۵؛ مکاشفه، ۱: ۵؛ اشعیا، ۶: ۵۳؛ ۵: اول یوحنا، ۳: ۵؛ اول پطرس، ۲: ۲۲؛ مرقس، ۱۰: ۴۵.

۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، صص ۸۹، ۹۰؛ و نیز:

Johnston William M., *Encyclopedea of Monasticism*, Chicago, Claire Renkin Fitzroy Dearborn Publisher, 2000, vol.2, p.827.

۳. یوحنا، ۱۷: ۲۰-۲۵.

۴. هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، ترجمه جسیکا باباخانیان، سابرنیا بدلیان، ادوارد عیسی بیک، زیر نظر کشیش سارو خاچیکی، ندرلند، یونایتد کینگدام، ۲۰۰۰م، صص ۷۲۹؛ بوکر، جان، *ادیان جهان* (تحقیق و پژوهشی در ادیان بزرگ)، ترجمه سعید اورازانی، قزوین، سایه گستر، ۱۳۸۹ش، صص ۱۵۱؛ مونگمری وات، ویلیام،



او مانند باران که بدون توجه به خوبی و بدی انسان‌ها بر همه یکسان می‌بارد. عشق و لطفش برای همه به طور یکسان وجود دارد، و حتی دشمنان و گناهکاران را نیز در بر می‌گیرد. او چنان مهربان و با محبت بود که حتی نسبت به گناهکاران توجه بیشتری نشان می‌داد و آن‌ها را به سادگی می‌بخشید تا بتواند به راه راست هدایت‌شان کرده و همه جامعه را الهی کند.<sup>۱</sup> لذا مسیحیان معتقدند که حکم اعظم مسیح محبت کردن است و محبت به یکی از برادران ایمانی هم چون محبت به خود اوست.<sup>۲</sup>

پولس نیز معتقد است: «اگر به زبان انسانی نطق کنم اما محبت نداشته باشم انسان نیستم، و مانند طبلی پر هیاهو، تنها سر و صدا کرده‌ام. اگر همه رازها و اسرار را بدانم و همه دانش‌ها را درک کرده و توان پیشگویی داشته باشم و چنان ایمانی دارا باشم که کوه‌ها را جابه‌جا کنم، اما در من محبت نباشد هیچ نیستم و ارزشی ندارم و اگر همه دارایی‌هایم را بذل کنم و بدنم را با آتش بسوزانم، اما عشق و محبت نداشته باشم هیچ نصیب و پاداشی نخواهم برد...» و او در ادامه اظهار می‌دارد که محبت، مهربان و صبور است و خودپسند و گستاخ نیست.<sup>۳</sup> او در نامه به قرنتیان تأکید می‌کند که از تنبلی و کسالت پرهیز کرده و باشور و حرارتی و صف ناشدنی به خدمت خداوند اشتغال یافت. و در این مسیر به برادران خود که در احتیاج هستند کمک نمود.<sup>۴</sup>

---

اسلام و مسیحیت در عصر حاضر، ص ۱۳۷؛ الیاده، میرچاد، متون مقدس بنیادین در سراسر جهان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، فراروان، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۱؛ و نیز:

Bruce, Long, "love", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hasting (ed.), New York, T. & T Clark, 1981, vol.9, pp.36-39; Davidson, W.T., "God in Biblical and Christian", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings(ed.), vol.6, 1981, p.376; Chant, Freadrick, "Charity", *Encyclopedia of America*, U.S.A, vol.6, 2001, p.296; Bromiley, G.W., "God", *The International Standard Bible Encyclopedia*, Michigan, 1979, pp.205, 500, 501.

۱. لوقا، ۶: ۲۷-۳۶.

۲. میشل، توماس، صص ۸۹، ۹۰؛ و نیز:

Johnston, William M., vol.2, p.827; Pannenberg, Wolfhart, *Jesus God and Man*, Liwikins & Duane A. Prelebe(tr.), Pennsylvania, The westminster Press, 1698, p.78.

۳. ناردو، دان، ص ۴۳؛ میلر، ویلیام مک الوی، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی

نخستین، قم، حیات ابدی، ۱۹۸۱م، ص ۳۰.

۴. اول قرنتیان، ۱۳: ۱-۸ و ۱۳؛ و نیز:

دشمن اصلی انسان، نفس است که باید این نفس دشمن شده با خود و خدا را تنها از طریق عشق ورزیدن به هم نوع، طبق خواست عیسی مسیح به مرتبه کمال رهایی رساند. والاترین مرتبه این عشق از نظر عرفای مسیحی محبت به عیسی و پیروی از او می‌باشد. عشق به هم نوع در سنت مسیحی همراه با رنجی<sup>۱</sup> ممدوح می‌باشد زیرا برگرفته از رنج عیسی مسیح است. رنج در سنت مسیحی به معنای تحریک و یا به هیجان آوردن عواطف است.<sup>۲</sup>

نفس عاشق برای نشان دادن میزان عشق خود به خداوند باید متحمل رنج‌های زیادی گردد که این رنج‌ها موجبات معرفت نسبت به خدا را فراهم می‌کنند. هر چه نفس نسبت به خدا دارای معرفت بیشتری شود انسان گناهانش را عمیق‌تر می‌بیند زیرا عظمت خدا را بیشتر درک کرده است. چنین نفسی از کوچک‌ترین گناه هم که موجب نافرمانی خدا شود،

Martin, Ralph P. & Peter H., Davids(ed.), pp.696-700; Davidson, F., vol.2, pp.960-962.

#### 1. Passion

۲. شرح مصیبت عیسی مسیح در اناجیل هم نظر و در انجیل یوحنا بیان شده است. هم‌چنین از نظر مسیحیت حداقل سه پیام در عهدعتیق به پیشگویی درباره رنج مسیح اختصاص یافته است. اولین و بدیهی‌ترین آن پیام‌ها کتاب اشعیا (۵۲: ۱۳؛ ۵۳: ۲-۵، ۱۲)، «او خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غم‌ها و رنج دیده، مثل کسی که روی‌ها را از او بپوشانند... او زحمت کشیده و مضروب... او تواضع نموده و هم‌چون بره‌ای که برای ذبح می‌برند بی زبان است...» دومین مورد کتاب مزامیر (۲۲: ۳۴؛ ۱۸ - ۲۲: ۶۹؛ ۲۱) و آخرین مورد کتاب زکریا (۱۲: ۱۰) و کتاب حکمت سلیمان (۲: ۱۲-۲۰) می‌باشد. حکایت رنج (متی، ۲۶، ۳-۵، ۴۸، ۶۷؛ مرقس، ۸: ۳۱؛ ۱۴: ۱، ۴۳-۴۷؛ ۱۵: ۱۸-۲۰؛ لوقا، ۱۷: ۲۵؛ ۲۲: ۲-۵، ۶۳-۶۵؛ ۲۳: ۸-۱۲؛ یوحنا، ۱۸: ۳، ۱۹، ۲۲-۳۷، ۶۳-۶۷؛ عبرانیان، ۹: ۲۶) عیسی مسیح با داخل شدن وی در اورشلیم یعنی در یکشنبه نخل ریزان یا عید فصح آغاز می‌شود که شامل پاک‌سازی معبد، شام آخر، شستن پاها، شاگردان، سكرات موت یا رنج در جتسیمانی، تسلیم کردنش توسط یهودای اسخریوطی، آزمایش مسیح قبل از اعمال قدرت یهود و روم بر وی، دستگیری مسیح توسط رومیان، تازیانه زدن وی، گذاشتن تاج خار بر سرش، آب دهان انداختن بر او، حمل صلیب، بردنش به جلجتا، درد و رنج فراوان، استهزاء نمودن، تقسیم لباس، نیزه زدن، مصلوب کردن همراه با دو دزد، درحالی که او قدوس بود. نک.

Wilkinson, Philip & Charing, Douglas, "The Road to Calvary", *Encyclopedia of Religion*, London, D.K., 2004, p.193; ODe Silva, A.L., *Beyond Belief*, U.S. A, PP.41- 43; S. Barnes, Arthur, "Passion of Jesus Christ in the Four Gospels", *The Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann(ed.), New York, Robert Appleton, 1916, vol.11, pp.1186-1189; Ross, Leslie, "Martyrdom", *Medieval Art a Topical Dictionary*, London, Greenwood Press, 1996, pp.47- 49.

اندوهگین می‌گردد. هرچه نفس عاشق‌تر باشد محزون‌تر است.<sup>۱</sup> هرکس که خواهان زندگانی در عیسی مسیح است، متحمل رنج و زحمت خواهد شد.<sup>۲</sup>

از منظر عرفای مسیحی، عاشق کسی است که در عین صداقت پیوسته طالب باشد. طالب اگر عطش حقیقی نداشته باشد از این راه به واسطه لذت و زحمت دور می‌گردد. این دو عامل، موجب کاستی در مراقبه و ممارست است. عاشق حقیقی مصرّ و تسلیم ناشدنی در برابر غیر خدا است و پافشاری در طلب عشق راه گشای او خواهد بود.

اصل تفکرات عرفانی در مسیحیت، عشق ورزیدن است. در واقع تنها با عشق می‌توان به وصال حق نائل گردید. این عشق دارای مصادیقی چون خدای پدر، خدای پسر و عشق به هم نوع است.<sup>۳</sup> خدای پدر، مصداق کامل و تمام عیار عشق است. آن چنان که پسر یگانه خویش را به فدیّه داده است.<sup>۴</sup> از نگاه عرفانی، تنها موجود کاملی که نفس می‌تواند بخاطر از همه چیز و همگی مصادیق عشق‌های ناقص زمینی بگذرد، خداوند قدوس متبارک است. محبت قانون عیسی مسیح است. در غم و مشکلات یکدیگر شریک بودن اجرای قانون مسیح می‌باشد.

### حکم سوم، محبت به عیسی مسیح

به برداشت متألهان مسیحی، عیسی مسیح به عنوان دومین شخص، خدایی کامل است که باید مورد پرستش واقع شود. ایشان مسیح را کلمه جاودان پدر می‌دانند که صورت انسانی به خود گرفته و دارای دو طبیعت الهی<sup>۵</sup> و بشری است که به صورت جدایی‌ناپذیری با یکدیگر اتحاد یافته‌اند.

1. Siena, Catherine, *Dialogue of Catheriane of Siena*, Thorold, Algar Grand Rapids, London, 1994, p.99.

۲. تیموتائوس، ۳.

3. Ibid, p.54.

۴. مونتگمری وات، ویلیام، ص ۲۵۲؛ و نیز:

Fuller, Reginald H., "God in the New Testament", *Encycloepadia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, vol.6, p.8; Hinnells, John R., *The Pengu Dictionary of Religions*, U.S.A, Penguin Books, 1984, p.133.

۵. یوحنا، ۱۴: ۹-۱۴.

«مسیح، کلمه خداست» یعنی: خدای پدر با انسان سخن می‌گوید و خود را به واسطهٔ پسرش بر همگان آشکار می‌سازد و عیسی همانی است که مسیحیان می‌خواهند چون او شوند و از طریق او با پدر آسمانی خود آشتی کنند و در عشق لایزال پدر مستغرق شوند.<sup>۱</sup> افرائیم سوریاپی می‌گوید: از آن‌جا که انسانیت توسط درختی به درون هاویه سقوط کرد، توسط درختی دیگر<sup>۲</sup> نیز حیات و زندگی یافت.<sup>۳</sup>

از نظر مسیحیان، بنا بر آیات اول قرن‌تین<sup>۴</sup> فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح، محقق می‌گردد. بنا بر سنت مسیحی، مسیح همان یهوه می‌باشد زیرا خداوند خدا ترجمهٔ یهوه خدا می‌باشد، و حتی در نیایش «آئین قبطی مصر» قطعه نیایشی به عیسی وجود دارد که این گونه به او خطاب می‌شود: «ای عیسی مسیح، ای خداوند خدای ما...». در عهد جدید نیز، خداوند نامیده شده است که پس از رستاخیزش بر او اطلاق گردید.<sup>۵</sup>

بنا بر انجیل یوحنا خدای نادیده توسط یگانه پسرش به جهانیان آشکار شد<sup>۶</sup> زیرا مسیح صورت خدای نادیده است؛ بنابراین از آغاز پسر، پدر را به همگان می‌شناساند زیرا از ابتدا

۱. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمهٔ روبرت آسیریان، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۶ش، ص ۴۹؛ مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمهٔ بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۵۸؛ هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمهٔ گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۶۸ش، ص ۵۸۵؛ اگریدی، جوان، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمهٔ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۹۴؛ و نیز:

Mowry Lacugna, Cathrine, "Trinity", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, vol.15, pp.57-53; Aherne, C., "The Son of God", *The Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann(ed.), New York, Robert Appleton Company, 1907, vol.15, p.309.

۲. صلیب.

۳. ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمهٔ حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش، صص ۹۵، ۴۵۲، ۴۵۳؛ لین، تونی، صص ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۵۸؛ بنتسون، صص ۸۳ و نیز:

Olson, Roger E., & Hall, Christopher, *The Trinity*, New York, 2000, p.8.

۴. اول قرن‌تین، ۳:۱.

5. Jenson, Robert W., *Systematic Theology the Ttiune God*, New York, University Press, 1997, vol.1, p.92.

۶. یوحنا، ۱:۱۸.

او با پدر بوده است، و کلمه فرستاده خدا برای انسان‌ها و منفعت آنان گردید. او برای انسان، کار نجات بخشی خود را عملی ساخت و خدا را به انسان و انسان را به خدا شناسانید. پس «کلمه»، بهترین امیدی است که بشر برای شناخت خدا و هر چیز که رابطه با خدا دارد، می‌باشد.

با نظر در آیات کتاب مقدس در می‌یابیم که آیات زیادی اشاره به فرزند بودن عیسی مسیح و هم‌چنین مولود شدن او از خدای پدر دارد:<sup>۱</sup> «خدا به صورت آدمی درآمد تا وسیله رحمت برای رستگاری انسان‌ها گردد».<sup>۲</sup> و انسان با اتحاد با مسیح می‌تواند به اتحاد جاوید با خدای پدر نائل گردد.

بنابراین مسیحیان معتقدند براساس کتاب مقدس، عیسی همان مسیحا است که به آسمان صعود نمود و دوباره در آخرالزمان برای نجات بشر و جهان به زمین باز خواهد گشت و رستگاری تنها از طریق اوست، و مسیح شهری جدید تأسیس می‌کند که نیازی به روشنایی ماه و خورشید ندارد و چراغ آن خود او است.<sup>۳</sup> این عشق به مسیح می‌باشد که می‌تواند آثار و پلیدی تمام گناهان را بزدايد و انسان را به نکاح روحانی با پدر نائل سازد. عیسی - به عنوان پسر انسان - قدرت بخشیدن گناهان را دارد<sup>۴</sup> و جان خود را در مقام فدیة برای نجات انسان‌ها فدا می‌کند و یا داوری می‌نماید<sup>۵</sup> و به کرسی جلال خویش جلوس می‌نماید.<sup>۶</sup>

از نظر مسیحیان و بنابر اناجیل، بنده خدا، عیسی، شریک رنج‌های بشریت شد و انسان‌ها شریک پیروزی او شدند. اگر وی رنج نمی‌کشید در بخشایش رنج دهندگان هیچ

۱. متی، ۱۶: ۱۳ - ۱۶؛ لوقا، ۱۱: ۲، ۲۶، ۴۰؛ یوحنا، ۱: ۴۹؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۶، ۱۸، ۳۵، ۳۶ اعمال

رسولان، ۲۰: ۹؛ عبرانیان، ۲: ۱، ۸،

۲. اعمال رسولان، ۷: ۵۵، ۵۹؛ ۱۳: ۳۳؛ ۱۵: ۱۱؛ ۲: ۱۱؛ ۱۹: ۱؛ ۱۸: ۵؛ ۱۸: ۵؛ لوقا ۴: ۱۸؛ افسسیان ۴:

۳۰ و ...

3. Arnold, Eberhard, *Gods Revolution*, U.S. A, Plough Publishing House, 2007, p.14; Leon Sachar, Abram, *A History of the Jews*, New York, Alfred.A. Knopf, Inc., 1966, p.130; Gedpes, L.W., "Macciah", *The Catholic Encyclopedia*, Chales G. Herbrmann(ed.), New York, Robert Appleton Company, 1907, vol.10, p.47.

۴. متی، ۹: ۶.

۵. یوحنا، ۵: ۲۷.

۶. متی، ۱۹: ۲۸؛ ۲۵: ۳۱.

فیضی هم وجود نمی‌داشت. او انسانی بود که جای پدران یا برادران مبارزه نمود و با اطاعت خویش نافرمانی را باطل ساخت و زورمندان را به بند کشید و ضعیفان را خلاصی داد و با نابود کردن گناه، آفریدگان خود را نجات و خلاصی بخشید؛ زیرا خداوند بسیار مقدس است و دوستدار و مهربان آدمیان می‌باشد.<sup>۱</sup>

نیایش کردن با عیسی مسیح، طلبیدن و خواندن او در درون ماست. اسم او یگانه نامی است که در برگیرنده نجات خداست. بوناونتورا بر مسیح به عنوان آغاز، میانه و پایان سفر سلوک عارفانه تأکید می‌کند. او در کتاب *درخت زندگی*، وی را به عنوان درخت زندگی معرفی می‌کند که بر شاخه‌های آن فضائلی چون عشق، تواضع، پرهیزگاری، صبر و پایداری و ... آویخته است.<sup>۲</sup> هیچ کس نمی‌تواند بی واسطه عیسی مسیح نزد پدر برود،<sup>۳</sup> زیرا کسی نمی‌تواند بدون میانجی شدنش پدر را بشناسد و کسی جز او پدر را نشناخته است. او حتی خود را پدر نیز می‌نامد و به شاگردانش می‌گوید: «هر کس مرا نشناسد نمی‌تواند پدر را بشناسد و شما او<sup>۴</sup> را دیده‌اید»<sup>۵</sup> مسیحیان معتقدند خدا اراده کرده تا از طریق مسیح با مخلوقات انسانیش رابطه برقرار کند. نیایش به هر شکلی که باشد تنها زمانی نزد پدر می‌رسد که به نام او باشد؛ پس انسانیت مقدس عیسی راهی است که روح القدس به وسیله آن تعلیم می‌دهد تا خدای پدر را نیایش کنیم.<sup>۶</sup> مسیح نور روحانی است و مردم را به لحاظ روحی منور می‌سازد.<sup>۷</sup> سیمون، معروف به متاله جدید مسیحی نیز معتقد است: «خداوند نوری نامتناهی و ادراک‌ناپذیر است، و سه اقنوم، همگی نور هستند. نوری یگانه، بسیط،

۱. بتسون، هنری، *منتخبی از نوشته های پدران اولیه کلیسا*، ترجمه واتیکان، یونایتد پرس، ۱۹۸۲ صص ۸۸-

۹۰.

2. Cousins, E., Introduction to "The Souls Journey in to God", *Bonarenture, Classics of Western Sprituality*, F. Cousins(ed.&trans.), New York, 1978, p.32.

۳. یوحنا، ۶:۱۴.

۴. پدر.

۵. یوحنا، ۹:۱۴.

۶. ویوانت، دیوس، خدای زنده، ترجمه واتیکان، ج ۱ ص ۵۱؛ و نیز: Shely, Rubel, *The Names of*

*Jesus, America*, 1999, p.32.

۷. آلستر، کنت، ص ۱۳۹؛ کارپنتر، هامفری، ص ۱۵۷؛ و نیز:

Ellis, E., *New Bible Dictionary*, Michigan, W.B Eerdmans Publishing Co, 1994, p.697.

سرمدی و قدیم ... که برابرند. آنچه از خدا می‌آید نور است و زندگی و جاودانگی و عشق و صلح و .... نور می‌باشند زیرا در پدر، پسر و روح القدس نوری واحد است.<sup>۱</sup> عیسی بره خدا<sup>۲</sup> است که گناهان را بر می‌دارد! مسیح حیات و قیامت است.<sup>۳</sup> هرکس به او ایمان آورد اگر از گمراهی مرده باشد، زنده می‌شود؛ و اگر زنده باشد و ایمان مسیح در قلب او باشد تا ابد نمی‌میرد. و جاودانه می‌گردد.<sup>۴</sup>

بنابر انجیل یوحنا<sup>۵</sup> هیچ کس پدر را غیر از پسر نمی‌شناسد و اگر او بخواهد تنها کسی است که می‌تواند پدر را به دیگران بشناساند.<sup>۶</sup> پدر همه چیز را به دست او داده است.<sup>۷</sup> در جای دیگر از عهدجدید آمده است که صفات عیسی با صفات پدر برابر است.<sup>۸</sup> سراسر زندگی عیسی، دربردارنده کمک و خدمت به نوع بشر است. در عهدجدید، آیاتی وجود دارد که بیانگر توانایی و قدرت اوست. وی زنده می‌کند و شفا می‌دهد و .... او خدای قدیر است.<sup>۹</sup>

در سنت مسیحی عمل محبت آمیز وی می‌تواند انسان را دگرگون سازد، چون انجام دهنده این محبت و نیکی فردی بی گناه و نیکوکار است که ارتباطی بی مانند و برجسته با خدا دارد. موضوع فداء امری ضروری است و نه تنها به منظور رهایی یافتن از نیروهای بیرونی و آزادی یافتن از احساس سرایت گناه ازلی است، بلکه برای آن است که خواسته‌های درونی انسان، وی را به تمرد بر ضد خدا و آزردن خود و دیگران می‌کشاند. مسیحیان، عیسی مسیح را اسوه و وسیله‌ای برای پیروی و تحول یافتن می‌دانند و می‌توان گفت محبتی که او با از خود گذشتگی‌اش به انسان‌ها نشان داد بهترین یادگار به انسان‌هاست.<sup>۱۰</sup>

1. Alfeyev Hilarion, Stymeonst, *The New Theologian and Orthodox Tradition*, Oxford, 2000, pp.170, 172.

2. Lamb God

۳. یوحنا، ۱:۲۵.

4. Ellis, E., *New Bible Dictionary*, Michigan, 1999, p.697.

۵. یوحنا، ۱:۲۵.

۶. متی، ۱۱:۲۸.

۷. یوحنا، ۳:۳۵.

۸. یوحنا، ۵:۲۱.

۹. ۱:۸.

۱۰. میشل، توماس، صص ۸۹، ۹۰؛ و نیز:

کسی که محبت ندارد از خدا نیست و هیچ معرفتی به او ندارد چراکه خداوند سراسر، محبت و عشق است.<sup>۱</sup> حتی خلقت عالم نیز برای محبت است، هم چنان که صورت مسیح تجلی الهی، رمز محبت و سلام است. حکم عیسی مسیح، محبت به یکدیگر است، چنان که در آخرین شب حیاتش در جمع شاگردانش با شستن پاهای آنها نمونه‌ای کامل از محبت را بدیشان آموخت. او کسانی را دوست خود معرفی می‌کند که به حکم محبت عمل کرده باشند.<sup>۲</sup> همان‌طور که باکره از راه خدا شدن با او متحد گردید و ما نیز چون مریم، خدا را پذیرا می‌گردیم و عیسی مسیح را در خود جای می‌دهیم زیرا ما از طریق روح القدس معبد مقدس خداوند می‌شویم، هم‌چنان که مریم، معبد مقدس خدا بود و او در ما حضور دارد. در واقع هدف هر فرد مسیحی از مبارزه علیه گناه این است که آمرزش خدا را بدست آورد، و تن گرفتن کلمه خدا را در زندگی و حتی در جسم خود پدیدار نماید. قدیس بازیل کبیر نیز در دعای خود اذعان می‌دارد که با ذره‌ای از توجه عیسی مسیح، وجود انسان متبرک و متعالی می‌شود و بدین شکل آدمی در جسم و خون مسیح شریک می‌گردد و این خود سبب همراهی انسان با خدای پدر می‌شود. مسیح، این خدای زنده به جست‌وجوی انسان می‌آید تا ایشان را به سوی پدر خود برده و با او آشتی و مصالحه دهد. او خود را به این دلیل شبیه ما ساخت تا بتوانیم شباهت خود با خدا را باز یابیم. مسیح همان‌طور که در مثال‌هایش به دنبال بره و سکه گمشده است، در پی انسان خواهد بود. بنابراین انسان‌ها باید پذیرای نور باشند تا به خدا شبیه گردند.<sup>۳</sup> مسیح به این سبب خود را انسان نمود که انسان نیز خدا شود.<sup>۴</sup> او سراسر، محبت و عشق بود و افراد بسیاری را با محبت و عطف از تباهی و ظلمت به روشنایی و نور مطلق رهنمون کرد. از جمله این افراد می‌توان به مریم،<sup>۵</sup> زن

Johnston, Wiliam M., *Encyclopedea of Monasticism*, Chicago, Claire Renkin Fitzroy Dearborn Publisher, 2000, vol. 2, p.827.

۱. اول یوحنا، ۸:۴؛ متی، ۵: ۴۳ - ۴۸.

۲. یوحنا، ۱۵: ۱۲-۱۴.

۳. بتسنون، هنری، ص ۹۱؛ یاسپرس، کارل، آگوستین، ترجمه حسن لطفی، تهران، ۱۳۶۷ش، صص ۵۹-۶۱؛ و

نیز: Alfeyev Hilarion, *Stymeonst*, p.262.

۴. اول تیموتائوس، ۲: ۵، ۶؛ ۴: ۱۰..

۵. یوحنا، ۱: ۸ - ۱۱.



بدنامی که یهودیان برای اجرای حد نزدش بردند، اشاره نمود. یهودیان خطاب به عیسی گفتند که این زن باید طبق شریعت موسی، سنگسار شود؛ تو چه دستور می‌دهی؟ عیسی در حالی که خم شده بود و با انگشت بر زمین چیزهایی می‌نوشت، ایستاد و به آن‌ها گفت: از میان شما کسی که بی‌گناه است، اولین سنگ را بزند و دوباره خم شد و شروع به نوشتن کرد. یهودیان وقتی این سخن را شنیدند، همگی متفرق شدند. بزرگان ایشان نخستین کسانی بودند که از حضور عیسی خارج شدند. عیسی ایستاد و جز آن زن کسی را ندید. پس گفت ای زن، آن‌هایی که به تو تهمت می‌زدند، کجا رفتند؟ آیا هیچ کس تو را محکوم نکرد؟ آن زن گفت: هیچ کس، ای آقا. عیسی به او گفت: من هم تو را محکوم نمی‌کنم. برو و هرگز به گناه بازنگرد.

### رستگاری و نجات

رهایی و خداگونگی از طریق عیسی مسیح موضوعی می‌باشد که در سراسر عهدجدید و سنت مسیحی و الهیات آن طنین‌انداز است، و منظور این است که مسیح با مرگ خویش به عنوان یک فدیة<sup>۱</sup> متحمل مجازات گردید و جور انسان‌های گناهکار را کشید و با مرگ خویش آن را جبران نمود.

مسیح، یگانه شفیع همهٔ انسان‌ها به‌ویژه گناهکاران، نزد پدر است. به نظر مسیحیان نیایش خدای پدر تنها با نام عیسی مسیح محقق می‌شود و نیایش زمانی به پدر می‌رسد که به اسم عیسی باشد. او قادر است آنانی را که توسط وی نزد خدا آیند نجات بی‌نهایت بخشند، زیرا به طور دائم زنده است تا شفاعت کند. انسانیت او راهی است که از طریق آن روح القدس، انسان‌ها را تعلیم می‌دهد تا خدای پدر را نیایش کرده و از شفاعت او برخوردار گردند. شفاعت مسیح هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و شامل حال جمیع مردم، پادشاهان، همهٔ صاحب منصبان، جفاکنندگان و حتی برای نجات کسانی که انجیل را رد می‌کنند می‌باشد.<sup>۲</sup>

مسیح همان کسی است که مسیحیان می‌خواهند به‌واسطهٔ او به پدر نزدیک شده و

۱. عبرانیان، ۲۸:۹.

۲. ویوانت، دیوس، ص ۴۶.

تقرب یابند و به سوی او بازگردند. از دید آنان، عیسی مسیح نه تنها واسطه، بلکه نجات دهنده انسان‌ها و دارای الوهیت می‌باشد.<sup>۱</sup> شفاعت شدن از سوی او برای همه ایمانداران مبارک است<sup>۲</sup> و برای آن دعا می‌کنند و انتظار آن را می‌کشند.<sup>۳</sup>

عیسی مسیح آغاز، میانه و نهایت سلوک عارفانه است. او کلمه متجسد الهی و نیکوترین الگوی دنیا و آخرت است. خلاصه همه هستی و یگانه راه وصول به خدای پدر است.<sup>۴</sup> بنابر سنت مسیحی در می‌یابیم که عیسی مسیح نه تنها رمز حیات و نجات است بلکه کلید فهم کتاب مقدس نیز می‌باشد.<sup>۵</sup> حیات معنوی تنها در سایه حیات در مسیح میسر می‌گردد.<sup>۶</sup> چنان‌که بزرگانی چون بوناونتورا معتقدند درنهایت، راه وصول به کمال مطلق و یکپارچگی با خدای پدر تنها از طریق عشق سوزان و آتشین به عیسی مسیح محقق می‌شود.<sup>۷</sup> هدف خداوند از خلقت انسان خداگونگی بود،<sup>۸</sup> یعنی رساندن انسان به حالت پیش از هبوطش و بازگشت و اتصال به منشأ و مبدأ حقیقی‌اش. روح با گناه ازلی آلوده گشت و با ماده و متعلقاتش در آمیخت و اسیر شهوات شد و تنها به واسطه مسیح، قادر به تطهیر و تولد مجدد خواهد شد و بدین سان به خداوند شبیه می‌شود و خداگونه می‌گردد.<sup>۹</sup> چنان‌که در رساله پولس به تسالونیکیان آمده است: «ما از روز هستیم، هشیار بوده جوشن ایمان و محبت و خود امید نجات را پوشیم زیرا که خدا ما را به جهت غضب نیافرید بلکه برای تحصیل نجات به واسطه مسیح آفریده شدیم عیسی مسیح همانی که برای گناه انسان

۱. لین، تونی، صص ۵۵، ۵۹؛ ویوانت، دیوس، ص ۵۱؛ و نیز:

Dowinside, Abbey, *The Catholic Prayer Book*, British T & T. Clark Edinburgh, 1999, pp.8, 9, 185\_188.

۲. تیطس، ۲: ۱۳.

۳. دوم تیموتائوس، ۴: ۸.

4. Hayes, Zachary, "Bonaventure", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.2, p.282.

۶. اول قرنتیان ۸: ۶.

7. Cousins, E., p.20.

۸. دوم پطرس، ۱: ۴.

9. Brady, I.C., "Bonaventure", *New Catholic Encyclopedia*, John P. Whallen and others(eds.), Washington, 1967, vol.2, p.662.

مرد تا خواه بیدار باشیم و خواه خوابیده، همراه او به حیات نائل گردیم.<sup>۱</sup> همه کسانی که در مسیح زیست و حیات می یابند متحمل رنج و زحمت خواهند شد.<sup>۲</sup> و زندگی جاوید از این راه محقق می گردد.<sup>۳</sup>

### منابع

- آلستر، کنت، دید کلی از خدا و انسان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنیاد ادونتیست، بی تا.
- اگریدی، جوان، مسیحیت و بدعت ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، ج ۱، قم، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷ش.
- الیاده، میرچا، متون مقدس بنیادین در سراسر جهان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، فراروان، ۱۳۸۵ش.
- بتسون، هنری، منتخبی از نوشته های پدران اولیه کلیسا، ترجمه واتیکان، یونایتد پرس، ۱۹۸۲م.
- بوکر، جان، ادیان جهان (تحقیق و پژوهشی در ادیان بزرگ)، ترجمه سعید اورازانی، قزوین، سایه گستر، ۱۳۸۹ش.
- تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلیان، قم، حیات ابدی، بی تا.
- خاچیکی، سارو، اصول مسیحیت، ترجمه مبشری، حیات ابدی، تهران، ۱۳۸۲ش.
- کارپنتر، هامفری، عیسی، ترجمه حسن کامشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۶ش.
- مالرب، میشل، انسان و ادیان، ترجمه مهران توکلی، تهران، نی، ۱۳۷۹ش.
- مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، ج ۱، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- مونتگمری وات، ویلیام، اسلام و مسیحیت در عصر حاضر، ترجمه جلیل قنبری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
- میلر، ویلیام مک الوی، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، قم، حیات ابدی، ۱۹۸۱م.
- ناردو، دان، پیدایش مسیحیت، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۷ش.

۱. ۵: ۸-۱۱.

۲. ۲ تیموتائوس، ۳: ۱۲.

۳. یوحنا، ۳: ۱۷.

- وروست، رابرت ای وان، مسیحیت از لابه‌لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ش.
  - ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
  - ویوانت، دیوس، خدای زنده، ترجمه واتیکان، ج ۱، بی جا، ۱۹۸۰م.
  - هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، ترجمه جسیکا باباخانیان، سابرنیا بدلیان، ادوارد عیسی بیک، زیر نظر کشیش سارو خاچیکی، ندرلند، یونایتد کینگدام، ۲۰۰۰م.
  - هنلیز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۶۸ش.
  - یاسپرس، کارل، آگوستین، ترجمه حسن لطفی، تهران، ۱۳۶۷ش.
- Alfeyev Hilarion, Stymeonst, *The New Theologian and Orthodox Tradition*, Oxford, 2000.
  - Aherne, C., "The Son of God", *The Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann(ed.), New York, Robert Appleton Company, vol.15, 1907.
  - Arnold, Eberhard, *Gods Revolution*, U.S.A., Plough Publishing House, 2007.
  - Brady, I.C., "Bonaventure", *New Catholic Encyclopedia*, John P. Whallen and others(eds.), Washington, vol.2, 1967.
  - Berchman, Robert M., "Friendship", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), 2008.
  - Bromiley, G.W., "God", *The International Standard Bible Encyclopedia*, Geoffery W. Bromiley(ed.), Michigan, William B., Eerdmaans Publishing Company, vol.2, 1979.
  - Bruce, Long, "love", *Encyclopedia Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, T & T Clark, vol.9, 1981.
  - Chant, Freadrick, "Charity", *Encylopida of Americana*, U.S.A, vol.6, 2001.
  - Chryssides, George D., & Margaret Z. Wilkins (ed.), *A Reader in New Religiooues Movements*, London, Continuum, 2006.
  - Chairman, Roben, "Agape", *The New Encyclopedia Britannica*, Founded, vol.1, 1793.
  - Cousins, E., Introduction to "The Souls Journey in to God", *Bonarenture, Classics of Western Sprituality*, F. Cousins(ed.&trans.), New York, 1978.
  - Davidson, F., *The New Bible Commentary*, Michigan, WM.B. Eerdmans Publishing Company, vol.2, 1953.
  - Davidson, W.T, "God Biblical and Christian", *Encyelopadia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, T & T Clark, vol.VI, 1981.
  - Dowinside, Abbey, *The Catholic Prayer Book*, British T & T. Clark Edinbargh, 1999.
  - Ellis, E., *New Bible Dictionary*, Michigan, W.B Eerdmans Publishing Co, 1994.
  - Fromm, Erich, *The Art of Loving*, U.S.A, Harper & Row, 1956.

- Fuller, Reginald H., "God in the New Testament", *Encyclopedea of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, vol.6.
- Gedpes, L.W., "Macciah", *The Catholic Encyclopedia*, Chales G. Herbrmann(ed.), New York, Robert Appleton Company, vol.10, 1907.
- Gohnstonn Pvoto, William, *Encyclopedea of Monasticism*, Chicago, Claire Renkin Fitzroy Dearborn Publisher, vol.2, 2000.
- Grady, James Allen, "Platonic Love", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.2, 2008.
- Grady, James Allen, "Beloved community", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1, 2008.
- Happold, F.C., *Mysticism, A Study and an Anthology*, London, 1973.
- Hayes, Zachary, "Bonaventure", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, vol.2, 1987.
- Hinnells, John R., *The Pengun Dictionary of Religions*, U.S.A, Penguin Books, 1984.
- Hopkins, Steven P., "Eros", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), 2008.
- Jenson, Robert W., *Systematic Theology the Tiune God*, New York, University Press, vol.1, 1997.
- Johnston Pbot, Wiliam, *Encyclopedea of Monaticism*, Chicago, Claire Renkin Fitzroy Dearborn Publisher, vol.2, 2000.
- John of the Cross, *Ascend of Mount Carmel*, London, 1934.
- Johnston Pbot, Wiliam, *Encyclopedea of Monaticism*, Chicago, Claire Renkin Fitzroy Dearborn Publisher, vol.2, 2000.
- John of the Cross, *Living Flame of Love*, London, 1934.
- Kierkegaard, Soren, *Works of Love*, Harward and Edna Hog (trans.), New York, Harper & Row Publishers, 1962.
- Leon Sachar, Abram, *A History of the Jews*, New York, Alfred.A. Knopf, Inc., 1966.
- Long, J. Bruce, "Love", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Pulishing Company, vol.9, 1987.
- McCarthy, Michael, "Church Father", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1, 2008.
- Martin, Ralph P. and Peter H. Davids (ed.), *Dictionary of The Later New Testament & Its Developments*, U.S.A, Inter Varsity Press, 1997.
- Mowry Lacugna, Cathrine, "Trinity", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, vol.15, 1987.
- Olson, Rogere & Hall, Christopher, *The Trinity*, New York, Wm, B. Eerdmans Publishing Co, 2000.
- Pannenberg, Wolfhart, *Jesus God and Man*, Liwikins & Duane A. Prelebe(tr.), Pennsylvania, The westminster Press, 1698.
- Ross, Leslie, "Matyrdom", *Medieval Art a Topical Dictionary*, London, Green Wood Press, 1996.
- Rubarth, Scott, "Symposium", *Encyclopedia of Love in World Religions*, Yudit Kornberg Greenberg(ed.), California, A B C C L I O, vol.1(A-I), 2008.
- S. Barnes, Arthur, "Passion of Jesus Christ in the Four Gospels", *The*

- Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann(ed.), New York, Robert Appleton, vol.11, 1916.
- Siena, Catherine, *Dialoge of Catheriane of Siena*, Thorold, Algar Grand Rapids, London, 1994.
  - Shelly, Rubel, *The Names of Jesus*, America, Howard Publishing, Co., Inc., 1999.
  - Sheveland, John N., "Love in Christianity", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1 (A-I), 2008.
  - Vincelette, Alan, "Unconditional Love", *Encyclopedia of Love in World Religions*, vol.1(A-I), 2008.
  - Wilkinson, Philip & Charing, Douglas, "The Road to Calvary", *Encyclopedia of Religion*, London, D.K., 2004.